

بلا تکلیف ماند تا اینکه در نوامبر ۱۹۱۳/۱۳۳۱ق به اصرار دولت انگلستان پروتکلی درباره تعیین حدود دو کشور در استانبول به امضا رسید و یکبار دیگر کمیسیون چهارجانبه علامتگذاری سرحدات ایران و عثمانی را شروع کرد. در نتیجه اعمال نظر دولت خارجی و ضعف ایران در آن دوران، حدود هزار کیلومتر مربع از اراضی ایران واقع در شمال و جنوب قصرشیرین به عثمانی واگذار شد. در این اراضی بعدها معادن نفت مهمی کشف گردید.^۵ این اشارات چشم اندازی از روابط سیاسی دو کشور را در مقاطعه زمانی مورد مطالعه نشان می‌دهد، اما باید توجه کرد که بررسی دقیق روابط ایران و عثمانی مستلزم شناخت ابعاد و جنبه‌های گوناگون این روابط و عوامل تأثیرگذار در آنهاست. این جنبه‌های گوناگون شامل روابط سیاسی، ارتباطات فرهنگی، مبادلات تجاری و سایر روابط ناشی از همچواری طولانی می‌باشد. افزون بر این، وجود شباهتیابی در سیر تاریخی دو کشور، چون ورود استعمار، اخذ تمدن غربی و مشروطه‌خواهی، گونه‌ای دیگر از مناسبات و تاثیرات مقابله جریانهای فکری و چنین‌های اجتماعی این دو سرزمین را نشان می‌دهد.

روابط ایران و عثمانی

الف - روابط فرهنگی: در مورد این روابط باید گفت در آن ایام که جنبه‌های خوینی میان فرانکوایان دو کشور برقرار بود، دوستی معنوی و فرهنگی میان افراد دو ملت وجود داشت. ترکها بعد از استقرار در وطن جدید خویش، تا قرنه، عناصر فرهنگی و زبانی خویش را از ایران اخذ می‌کردند، و ایران نیز در آغاز، علم و تمدن جدید را از طریق این کشور - که بل ارتقاگذار ایران به اروپا بود - به دست آورد.^۶

مواد ذیل نشان‌دهنده ارتباطات فرهنگی دو کشور است:

- تحصیل کردگان ایران در مدارس عالی استانبول: به دلیل کمبود منابع، اطلاعات زیادی درباره فارغ‌التحصیلان مدارس عالی استانبول در دست نیست، فقط نام چند تن از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم: میرزا صادق خان مستشار‌الدوله و میرزا فرج‌الله‌خان (از وابستگان معین‌الملک)، سفیر ایران در استانبول، عبدالحمیدخان کاشی، بهاءالدین میرزا، حسین اختر، اقا میرزا علی دکتور (از پزشکان حاذق) و ادیب نکته‌دان آذربایجان، حکیم‌علی^۷

۲ - انتشار روزنامه قانون و اختر در استانبول: روزنامه اختر را آغازگر مطبوعات بروند مرزی آزاد و پدر روزنامه قانون به حساب آورده‌اند. زیرا همین روزنامه بود که نخستین بار از قانون و قانون خواهی سخن گفت و روزنامه قانون هم که حدود پانزده سال پس از انتشار اختر منتشر شد، از روزنامه اختر جانبداری کرده است. روزنامه اختر به رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در مخالف روشنفکری ایران و نشر اندیشه‌های تجدددخواهانه کمک شایانی کرده

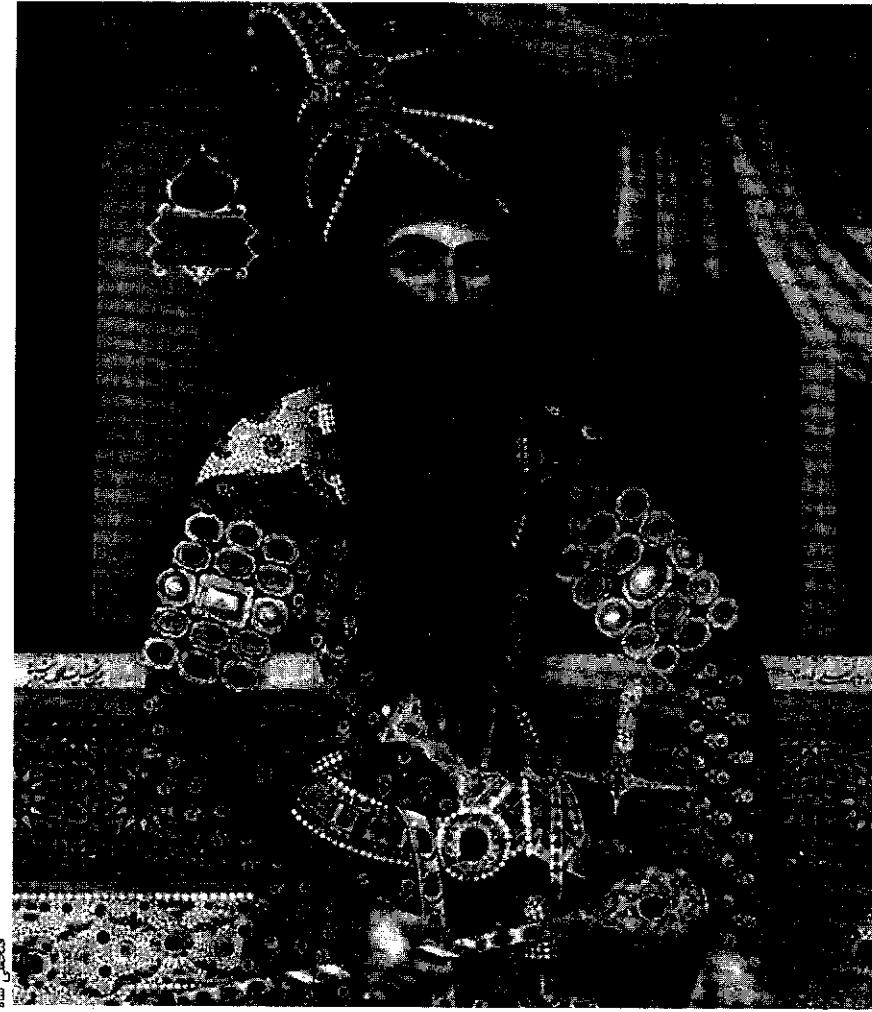
با گسترش تجارت و افزایش روابط خارجی به لحاظ سطح و عمق، نقش جهت‌گیریها و خطمشی‌های دولتمردان و واحدهای سیاسی در تعیین موقعیت هر کشور در گستره روابط با سایر کشورها، بیش از پیش عیان گردید. در مقاله پیش رو به منظور تبیین این واقعیت، روابط ایران و عثمانی در عصر قاجاریه بررسی شده است.

روابط ایران و عثمانی در اوایل سده نوزدهم، پس از نیم قرن آرامش نسبی با آغاز منازعاتی میان دو کشور رو به تیرگی نهاد. حملات ایران به قلمرو عثمانی در این زمان همچون دوران نادرشاه ناشی از اقتدار ایران بود بلکه به دلیل ضعف ایران در رویارویی با یورش‌های روسیه بود. درواقع فرماتزوایان ایران در نظر داشتند با کسب متصرفاتی از همسایه غربی که در این زمان رو به ضعف می‌رفت، خسارت روسها را جبران کنند.

البته در این میان نمی‌توان تحریکات روسها را در تشویق فتحعلی‌شاه به جنگ با دولت عثمانی نادیده گرفت. حمله ایران به نواحی بغداد و شهر زور در اوایل ۱۸۱۲م، با بهره‌گیری از منازعات محمود دوم در اروپا و در داخل کشورش، همچنین با استفاده از مقاومت سرکردگان حوالی سرحدات ایران و عثمانی در برابر تلاش‌های سلطان مبنی بر ختم استقلال آنها شروع شد. به خاطر درگیری‌های دولت عثمانی در نقاط دیگر، ایرانیان موقتیهایی به دست آورده‌اند، اما شیوع وبا، فرار سیند زمستان و مشکلاتی دیگر، باعث عقب‌نشیمنی نیروهای ایرانی و زمینه‌ساز انعقاد قرارداد ارزروم شد.^۸ عهدنامه‌ی ارزروم (۱۳۳۹ق) بهدلیل آنکه خطوط مرزی و نقاط سرحدی را به طور قطعی و واضح تعیین نکرده بود، توانست اختلافات دو دولت را به طور قطعی از میان ببرد^۹ و حمله پاشای بغداد (۱۲۵۴ق) به محمره سبب تیرگی مجدد روابط دو کشور شد. برای حل این اختلافات کمیسیونی با حضور نمایندگان ایران، عثمانی، روس و انگلیس در شهر ارزروم تشکیل شد که به انعقاد معاہده دوم ارزروم (۱۲۶۳ق) متجر گشت. این پیمان نماینده آخرین دوره تحول تاریخی روابط ایران و عثمانی به شمار می‌آید، زیرا از یکسو کلیه اختلافات قرون گذشته دو کشور در آن نمایان است و ازسوی دیگر اساس روابط جدید دو کشور را حتی تا زمان بوجود آمدن دولت عراق پس از جنگ چهانی اول همین پیمان بنا نهاده است.^{۱۰}

اختلافات مرزی ایران و عثمانی در دوران قاجاریه همچنان تداوم یافت و حتی از نظام‌های استبدادی عثمانی و ایران به نظام مشروطه‌ی اینها (که در هر دو کشور در سال ۱۳۲۴ق. شکل گرفت) انتقال پیدا کرد و حکومتهای جدید نیز به منظور حل اختلافات و تثبیت مقررات عهدنامه ارزروم تلاش کردند، اما مساله تعیین قطعی سرحدات ایران و عثمانی همچنان

ایرانیان تبدیل شد.^{۱۶} ایرانیان مقیم استانبول در امور مختلف بازرگانی فعالیت می کردند. بعد از قالی فروشان، تعداد کتاب فروشان و کاغذفروشان نیز بسیار بود و آنها ثروت و اعتبار بسیاری داشتند. البته برخی ایرانیان چون حاج میرزا تقی‌الله اصفهانی، کارخانه‌دار معروف، را نیز نباید از قلم انداخت. وی دارای کارخانجات دیگری، صابون‌بزی، قلمکارسازی، رنگ‌رزی، قالی‌شویی و حلوپزی و... بود و سال‌ها چند صد نفر کارگر ایرانی در دستگاه او کار می کردند.^{۱۷} چنین به نظر می‌رسد که ضعف روزگارون، تشدید واپستگی سیاسی و اقتصادی عثمانی و ایران به غرب و رکود بیش از پیش اقتصاد ملی آنها، باعث شد تجارت ایران و عثمانی رونق خود را از دست بدهد و دچار رکود شود.^{۱۸} علاوه بر این عوامل، درگیری‌ها و اختلافات مرزی ایران و عثمانی نیز برای منافع اقتصادی مشترک دو طرف زیان‌آور بود، زیرا مقداری از ابریشم و سایر کالاهای صادراتی ایران از طریق قلمرو عثمانی و از راه طرابوزان به غرب فرستاده می‌شد (این امر به دولت عثمانی در مقابل همسایه‌گان شرقی‌اش قدرت می‌بخشید).^{۱۹}



ج—روابط سیاسی: کارنامه روابط سیاسی این دو کشور، یادآور اختلافات، جنگها، انعقاد قرارداد، مبالغه سفرا و سایر اقدامات دیپلماتیک و از همه مهم‌تر مداخلات استعمارگران است. به منظور درک بهتر روابط سیاسی این دو کشور، آگاهی از دلایل اختلاف میان آنها ضرورت دارد. موارد زیر از موضوعات اختلاف ایران‌گیز میان این دو کشور بود:

۱—وضع نامشخص مرزهای دو کشور (مرز طولانی ایران و عثمانی از قله آرازات تا مصب شط العرب)، یعنی بیش از هفت‌صد میل بود؛

۲—برخوردهای میان عشایر مرزنشین (از سرحد آذربایجان تا خوزستان) و حمایت شاهزادگان ایرانی از برخی رؤسای آنان؛

۳—مساله تابعیت برخی از ایلها ای سرحدی و مشکلات ناشی از ایلاق و قشلاق آنها؛

۴—مساله پناهندگان ایران و عثمانی؛

۵—رفتار خشن و توهین‌آمیز عثمانی‌ها با حاج و زوار ایرانی؛^{۲۰}

۶—مسائل تجاري ایران و عثمانی؛

۷—حالت مبهم سیاسی سرزمین کردستان و مسائل مربوط به کردها. بدون تردید مساله کردها را می‌توان از مسائل عمدۀ منطقه قلمداد نمود.

طوابیف کرد گاه سبب هرج و مرج و اغتشاش در نواحی سرحدی می‌شدند. اکراد ایرانی با اکراد عثمانی همه در جنگ بودند و مسافرانی را که از سرزمین‌شان عبور می‌کردند، به قتل می‌سانند و اموال‌شان را غارت می‌کردند.^{۲۱} دولت عثمانی نیز همواره با کردهای کشورش مشکلات اساسی داشت. در سده نوزدهم، با آغاز دوران ضعف عثمانی‌ها، شورش‌های متعدد کردها را برضد دولت عثمانی شاهد

گشتندگی، یک مقاله مستقل را می‌طلبید و از آنچه محور بحث این مقاله، مناسبات فرهنگی نیست، به همین مختصّ بسته می‌شود.

ب—روابط تجاري: مهم‌ترین دلایل برقراری روابط تجاري ایران با عثمانی، هم‌جواری، اقامت بازرگانان ایران در استانبول و معیر بودن عثمانی برای رسیدن به اروپا بود.^{۲۲} عثمانی پس از روسیه و انگلستان مقام سوم را در تجارت ایران داشت. با

توجه به گشتندگی روابط تجاري میان دو کشور، بعيد نیست که مشکلاتی در این زمینه ایجاد شده باشد، چنان‌که برخی از مواد عهدنامه‌های منعقده میان ایران و عثمانی به دعاوی تجاري طرفین و حقوق گمراکی اختصاص دارد.^{۲۳} نکته شایان توجه دیگر در روابط تجاري این است که علاوه بر طبقه تجار، سایر طبقات نیز برای کسب و کار به استانبول می‌رفتند. اصناف ایرانی نقیم استانبول برای ایجاد نظم و حل و فصل اختلافات احتمالی، برای هر صنف رئیس انتخاب می‌کردند. تجار نیز جهت رتق و فتق امورشان مجمعی داشتند. همین مجمع در دوره‌ی استبداد صغیر و قیام آذربایجان به انجمن سعادت

است.^{۲۴} اختر غیر از عثمانی و ایران در ممالک دیگر به‌ویژه هند و قفقاز نیز خوانندگان بسیاری داشت و در شهرهایی چون تبریز، مهران، رشت، تفلیس، باکو، بمبئی، مدرس، چیدرآباد، لکهنه، بنکلور، لاھور، کراچی، کربلا... دارای نمایندگی بود.^{۲۵}

۳—جایگاه خاص زبان فارسي در عثمانی: بیشتر دولتمردان و ادبیات عثمانی به زبان و ادبیات فارسي آشنايی داشتند و زبان فارسي در مدارس آنچه درس می‌شد.^{۲۶}

۴—نقش ترجمه‌ها در ارتباطات فرهنگی: ترجمه مکرر آثار ادب فارسي به ترکی سهم عمده‌ای در ارتباطات فرهنگی دو کشور داشته^{۲۷} و سبب تاثیرپذیری ادبیات عثمانی از ادب فارسي شده است.^{۲۸}

۵—امپراتوري عثمانی مرکز انتقال مظاهر تمدن غرب به ایران: از سده هیجدهم گرایش به اخذ مظاهر تمدن غرب در امپراتوري عثمانی شتاب فزاندگان پیدا کرد و استانبول دروازه نفوذ مظاهر این تمدن به شرق و یکی از انتقال‌دهندگان اصلی محصولات مصرفي مادي و معنوی غرب به کشور ما شد. البته اقامت گروهي از ایرانیان در شهرهای عثمانی و نیز تردد بسیاری از ایرانیان به آن دیار، سبب تسهیل این انتقال شد.^{۲۹} بحث در مورد روابط فرهنگی به دليل

هستیم. مهم‌ترین این شورشها عبارت بود از: قیام عبدالرحمان پاشا (۱۸۹۰—۱۸۹۶م)، قیام میرمحمد (۱۸۳۶—۱۸۳۷م)، قیام بیدرخان (۱۸۴۷—۱۸۴۹م)، قیام شیخ عبدالله (۱۸۵۰—۱۸۵۷م)، قیام شیخ عبدالله (۱۸۷۷—۱۸۷۹م).^{۲۲} به دلیل مشکلاتی که دو دولت در مورد کردناهداشتن، ماده هشتم قرارداد ارزروم به حل مساله کردها اختصاص یافت. در این ماده به عشاپر کردی که تابعیت آنها مشخص نبود، پیشنهاد شد که فقط یکبار خود محل سکونتشان را تعیین کنند تا آنگاه به اعتبار محل محل سکونت، تابعیت‌شان معین شود.^{۲۳} برای آگاهی بیشتر از موضوعات مورد اختلاف دو کشور و بررسی در این زمینه، استاد موجود در آرشیوهای عثمانی ارزش و اهمیت فراوانی دارند.^{۲۴}

نقش روسیه و انگلستان در روابط ایران و عثمانی
علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، مداخلات دولتهای روس و انگلیس نیز در روابط ایران و عثمانی تأثیرگذار بود. نمونه‌ای از این مداخلات را می‌توان در اعقاد قرارداد ارزروم، پروتکل تهران (دسامبر ۱۹۱۱م)، پروتکل استانبول (۱۹۱۲م) و تشکیل کمیسیون‌های مرزی مشاهده کرد. این مداخلتها به شکل اتحاد با یکی از دولتها بر ضد دیگری صورت می‌گرفت. در این زمینه می‌توان به تصمیم روسها برای اتحاد با ایران بر ضد عثمانی اشاره کرد. روسها برای رسیدن به این هدف و جلب نظر دولت ایران، وعده‌هایی، چون معافیت از پرداخت غرامات جنگی معاهده ترکمانچای، بازگرداندن شهر قطور (که دارای موقعیت استراتژیک مهم بود) و اشغال بغداد، به ایران داده بودند.^{۲۵} این مداخلتها از عوامل متعددی نشأت می‌گرفت که مهم‌ترین آنها منافع اعظم روس و انگلیس در شرق و ضعف دولتهای ایران و عثمانی بود. ایران از چند سده پیش از آغاز فشار مستقیم سرمایه‌داری غرب به سرمیون‌های اسلامی، با بسیاری از کشورهای اروپایی بیوندی دوستانه داشت و این دوستی از یکسو از ناسازگاریها و رقبهای سیاسی و اقتصادی دولتهای اروپایی با امپراتوری عثمانی و ازوی دیگر از دشمنی و اختلافات سیاسی، اقتصادی و مذهبی عثمانی‌ها با فرماتروايان ایران سرچشمه می‌گرفت.^{۲۶}

علاوه بر این، نیاز ایرانیان به جنگ‌افزار و داشش جنگی غرب برای رویارویی با عثمانی، عامل دیگری برای تزدیکی و در نتیجه وابستگی آنان به غرب بود.^{۲۷} دولت عثمانی نیز همانند ایران به دلیل همین ضعف‌ها، زمینه مداخله بیگانگان و جلب پشتیبانی آنان را به شیوه‌های گوناگون فراهم می‌ساخت. تلاشهای عثمانی و تیان آنها با دولتهای روس و انگلیس در تحمیل یادداشت توضیحی به قرارداد ارزروم که کاملاً به زیان ایران بود، شاهد این مدعاست. دول استعمارگر به اقتصادی منافع خوبش در هر زمان سیاستی خاص در روابط ایران و عثمانی در پیش

اختلافات مرزی ایران و عثمانی در دوران قاجاریه همچنان تداوم یافت و حتی از نظام‌های استبدادی عثمانی و ایران به نظام مشروطیت آنها (که در هر دو کشور در سال ۱۳۲۴ق. شکل گرفت) انتقال پیدا کرد و حکومتهای جدید نیز به منظور حل اختلافات و تثبیت مقررات عهدنامه ارزروم تلاش کردند، اما مساله تعیین قطعی سرحدات ایران و عثمانی همچنان بلا تکلیف ماند تا اینکه در نوامبر ۱۹۱۳م / ۱۳۳۱ق. به اصرار دولت انگلستان پروتکلی درباره تعیین حدود دو کشور در استانبول به امضا رسید و یکبار دیگر کمیسیون چهارجانبه عالمتگذاری سرحدات ایران و عثمانی را شروع کرد. در نتیجه اعمال نظر دولت خارجی و ضعف ایران در آن دوران، حدود هزار کیلومتر مربع از اراضی ایران واقع در شمال و جنوب قصرشیرین به عثمانی واگذار شد

می‌گرفتند. این سیاستها از تحریک و جنگ‌افروزی اصرار و پاشاری در رفع اختلافات در نوسان بود. برای نمونه بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷، همچنین پس از کشف نفت در ایران، ضرورت برقراری آرامش در مرزهای ایران و عثمانی به منظور بهره‌برداری‌های منظم روس و انگلیس بیش از پیش احساس شد، از این‌رو دولتهای مذکور بر رفع اختلافات ایران و عثمانی بهشدت پاشاری کردند.^{۲۸} با این توضیحات می‌توان دریافت که دلالتهای خارجیان تا حد زیادی بر روابط ایران با عثمانی تأثیرگذار بوده است.

نقش دولتمردان ایرانی در روابط ایران و عثمانی

فلیپ الن رینولدز درباره عوامل انگذار در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌نویسد: «سیاست خارجی عبارت است از اقدام برون مرزی که از سوی تصمیم‌گیرندگان کشور به منظور دستیابی به هدفهای درازمدت و کوتاه‌مدت صورت می‌پذیرد. هر اقدامی بنا بر مقتضیات شناخته‌شده کشور که تصمیم‌گیرندگان بر پایه آن عمل می‌کنند با محدودیت‌هایی رو برو می‌باشد. این محدودیت‌ها ناشی از جغرافیا، اقتصاد، جمعیت، ساختار سیاسی، فرهنگها و سنتهای و وضع نظامی استراتژیکی می‌باشد. من این جو راه جو داخلی... می‌نامم. ولی هر اقدام با توجه به اقدام‌های یگان‌های دیگر صحنه بین‌المللی که بهنوبه‌خود دچار محدودیت‌هایی هستند، نیز صورت می‌پذیرد، این را می‌توان قلمرو بین‌المللی تصمیم‌گیرندگان خواند. عامل‌هایی درون این قلمروها به کنش و واکنش دوسویه با هم‌دیگر می‌پردازند و هم‌وزی میان دو قلمرو مزبور نیز وجود دارد».^{۲۹} این کنش و واکنش و ارتباط متقابل عوامل داخلی و خارجی در روابط ایران و عثمانی نیز مشاهده می‌شود. در این زمینه، قرارداد ارزروم مورد مناسبی برای بررسی می‌باشد. به قول آدیت، ارزروم میدان برخورد سیاست و دیپلماسی روس، انگلیس، ایران و عثمانی است.^{۳۰} این بیمان زمانی بسته شد که در نتیجه سیاستهای فتحعلی‌شاه و جانشینانش، قدرت ایران به سرعت رو به کاهش گذارد. جنگهای ایران و روس و خسارات ناشی از آن، اشغال اراضی وسیعی از ایران به دست روسها و اعطای امتیاز کاپیتلولاسیون به روسها و سپس به دیگر دولتهای اروپایی، درهای کشور را به روی سلطه‌جویان خارجی باز گذارد. جنگهای متعدد حکومت قاجاریه در افغانستان برای تحکیم مواضع ایران در این منطقه نیز زیانهای مالی و جانی فراوانی بهاراورد. این وضعیت سبب شد ایران ضعیف گردد و زمینه دلالتهای بیگانه در جریان انعقاد قرارداد و تحمیل شرایط زیانبار به ایران فراهم شود.^{۳۱} افزون بر وضعیت نامساعد ایران در هنگام انعقاد قرارداد، نقاط ضعف دیگری نیز وجود داشت که بیشتر به دولتمردان ایران و عملکرد آنان مربوط می‌شد. آن نقاط ضعف عبارت‌اند از:

عثمانی در ایران، سفارت‌نامه‌ها، احوال فراموش شده‌ی روزگاران»، کجاوه، ش.۹، سال اول، گردشگری، ص.۳۹

۷- رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج.۱، تبریز، ستوده، ۱۳۷۴، ص.۷۶

۸- همان، صص ۲۷۷-۲۷۸

۹- همان، ص.۲۸۱

۱۰- همان، ص.۲۸۰

۱۱- همان، ص.۷۹۶

۱۲- خان‌ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، تهران، بابک، ج.۲، ۱۳۵۴، ص.۱۹۹

۱۳- رحیم رئیس‌نیا، همان، ج.۲، ص.۷۹۲

۱۴- قبیرعلی انصاری رفاقت و قاسم کرمانی، تجارت در دوره قاجاریه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰، ص.۴۰۶

۱۵- غلامرضا طباطبائی مجده، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳، ص.۳۹۹

۱۶- رحیم رئیس‌نیا، همان، ج.۲، ص.۸۲۳

۱۷- خان‌ملک ساسانی، همان، ص.۹۴

۱۸- رحیم رئیس‌نیا، همان، ج.۲، ص.۸۳۴

۱۹- Stanford Show, Ibid, P. 313

۲۰- آذرمیدخت مشایخ فردیونی، مسائل مرزی ایران و عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص.۳۳

۲۱- کلمت مارکام، ایران در دوره قاجاریه، ترجمه: میرزا رحیم فرزانه، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص.۱۲۸

۲۲- صابر قاسمی، ترکیه، شناخت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص.۱۹۹-۲۰۱

۲۳- منوچهر پارسا‌دوست، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص.۸۷

۲۴- صبری آتش، «همیت آرشیوهای عثمانی برای مطالعه در ایران عصر قاجار»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش.۳۵، سال ۹، پاپیز ۱۳۸۴، ص.۹۰

۲۵- علی‌اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیلماتیک ایران (از معاهده ترکمنچای تا معاهده صلح پاریس، ۱۳۷۳-۱۴۲۳ هـ) ق، ج.۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص.۲۹۹

۲۶- عبدالهادی حائری، نخستین روایاتی‌های ایران با دو رویداد تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص.۱۴۰

۲۷- همان، ص.۱۴۵

۲۸- منوچهر پارسا‌دوست، همان، ص.۱۵۷

۲۹- فلیپ ان ریتلز، شناخت اصول روابط بین‌الملل، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰، ص.۸۳

۳۰- فریدون آدمیت، همان، ص.۷۹

۳۱- آذرمیدخت مشایخ فردیونی، همان، ص.۶۳

۳۲- فریدون آدمیت، همان، ص.۷۸-۷۹

۳۳- همان، ص.۷۸

۳۴- همان، ص.۸۷

۳۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص.۲۵۹

۳۶- علی‌اصغر شمیم، همان، ص.۲۱۴

۳۷- ای. اف. ک اگانسکی، سیاست جهان، ترجمه: حسین فرهودی، تهران، بنگاه ترجمه و تشریک، ۱۳۵۳، ص.۴۴۱

با مشاهده این وضع به نمایندگان روس و انگلیس اعلام کرد که قصد مراجعت به ایران را دارد. این نمایندگان هم، برای جلوگیری از بهم خوردن مذاکرات، دولت عثمانی را به عنخواهی و جبران خسارت و ادار کردند.^۵ بدین ترتیب متأثر و سیاست امیر در برابر کارشنکنی‌های متعدد دولت عثمانی موجب شد مذاکرات تداوم یابد و در نهایت قرارداد ارزروم تدوین شد.

تبییر و دوراندیشی و ملاحظات سیاسی وزیرنظام راه را بر هرگونه سوء استفاده، تبانی و بازیهای دول استعمالی می‌بست. این تبییر در درازمدت نیز همواره کارآئی خود را در انعقاد قراردادهای بعدی نشان داد. اما عملکرد خفتبار و اقدام خودسرانه میرزا علی‌خان شیرازی، نماینده ایران که مأمور مبالغه اسناد قرارداد ارزروم بود، زمینه را برای پذیرش یادداشت توضیحی بر قرارداد ارزروم که نتیجه تبانی عثمانی و دو دولت روس و انگلیس بود، بار گذاشت. البته دولت ایران فقط قرارداد اصلی را پذیرفت و میرزا علی‌خان وزیرنظام که اینک با لقب امیرکبیر مقام صادرت ایران را به‌عهده گرفته بود، میرزا علی‌خان مشیرالدوله را به نمایندگی دولت ایران در کمیسیون تحدید حدود برگزید.^۶

در ازیزیابی عملکرد وزیرنظام می‌توان دیدگاه صاحب‌نظران سیاست خارجی را ملاک قرار داد: دیلماتیسی را فقط هنگامی می‌توان موفق شمرد که یک طرف بتواند به وسیله آن طرف دیگر را متعاقده باشد یا هریک از دو طرف قسمتی از وضعیت طرف دیگر را بشناسد و بدین ترتیب به توافقی دست یابند که هر دو طرف را راضی می‌سازد.^۷ با توجه به این تعریف، اقدامات دیلماتیک وزیرنظام، قرین موقفيت بود از این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که دولتمردان و نمایندگان سیاسی نیز در روابط خارجی و موقفيت دیلماتیک کشورهای متبع خویش نقش تعیین کننده‌ای دارند و حتی در مواردی می‌توانند از میزان دخالت‌های دول استعمالی — که همواره یک عامل مهم و تاثیرگذار در روابط خارجی ایران با سایر کشورها بوده است — بکاهند و اقدامات آنها را بی‌اثر سازند.

پی‌نوشت‌ها

* عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند.

1- Stanford Shaw, The Cambridge History of Iran, Vol 7, cambridge university press, 1991, P. 312

۲- علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، مدبیر، ۱۳۷۸، ص.۱۲۰

۳- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ج.۷، ۱۳۶۲، ص.۶۲

۴- علی‌اصغر شمیم، همان، ص.۲۱۹

۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، ۱۳۶۴، ص.۲۹۹

۶- محمداصین ریاحی، «پژوهشی در گزارش سفیران ایران

۷- تزلزل و ناسیواری در خط‌نمی (مواقع سیاسی):
۲- بی‌کفايتی حاج‌میرزا آقاسی در اجرای مستويات سیاسی؛
۳- سهل‌انگاری در عدم افسای تصمیمات حکومت: حاج‌میرزا آقاسی تحت نفوذ روس و انگلیس دستورهای ضد و نقيض به ارزروم می‌فرستاد و بدتر اينکه نمایندگان بیگانه را ز ماهیت دستورهای خود آگاه می‌کرد. جهانگیر میرزا نیز به سهل‌انگاری‌های حاج‌میرزا آقاسی خود می‌گيرد: «اکثر نوشتجات ايشان (وزيرنظام) را در ميان نوشتجات حاج‌میرزا آقاسی بعد از وفات شاه مرحوم و رفتن حاجی به كربلاي معلم همچنان سر به مهر، نگشوده يافتند. درستي اين گفته‌ها به يقين بر ما روش نگشت، اما مسلم است که کار ملک را به تباهی رسانيد بود.»^۸
در برابر ضعف‌های حاكمیت، رفتار سنجیده و مدبرانه میرزا علی‌خان وزیرنظام (نماینده ایران) در مراحل مختلف کنفرانس ارزروم نقطه قوتی برای ایران بود. صورت جلسه‌ها و گزارش‌های نماینده انگلیس نشان‌دهنده سنجیده‌گویی، موقع شناسی، درایت و کارداری اوست. اميرنظام در محیط کنفرانس و در خارج از آن به گونه‌ای رفتار می‌نمود که احترام دولت دشمن را به خود جلب کرده بود.^۹ در اینجا دوست و دشمن را به خود جلب کرده بود. چند مورد از تدايير و اقدامات دیلماتیک وی را ذکر می‌کنیم که سبب اعتبار و موقفيت ایران در بعضی از مراحل انعقاد قرارداد شد. مورد اول مربوط به شیوه احتجاج امیرکبیر در مورد اثبات حق حاكمیت ایران بر محمره است. این عمل وزیرنظام مهم‌ترین کامپاني ایران در کنفرانس ارزروم محسوب می‌شود. در این جلسه وزیرنظام در برابر ادعای انور افندی (نماینده عثمانی) نسبت به محمره سند رسمي و بسيار معتبری را ارائه کرد که دولت عثمانی چند سال پيش صادر کرده بود. اين سند، فرمان سلطان محمود ثانی خطاب به عليرضا باشا، حاکم بغداد، در تاريخ محرم ۱۲۵۴ق. است. در اين فرمان چنین آمده است: «بنابران همین که فرمان مقدس ما به شما مرسد، لازم است در کار تحقیقات مامور ما مساعدت کنید و هر آينه تعرض به خاک ایران وجود دارد. چون رفتار ما بر خلاف عهدنامه‌ها و شرایط میان دو مملکت می‌باشد، فوراً محمره را به آن دولت بازگردانید و سند ازادي آن را خدمت وزرای ما تقديم بدارید و از اين پس وقت و مراقبت کنید که چنین اموری که مخالف عهدنامه و شرایط موجود است، اتفاق نیافتد.»^{۱۰} ارائه سند مذکور و استدلال قاطع امیرکبیر موجب شد نمایندگان کنفرانس، حاكمیت مستمر ایران را بر محمره تایید کنند.
مورد دیگر تدايير و کارداری وزیرنظام، در ماجراه حمله عده‌ای اباش به محل استقرار هیات نمایندگی ایران در ارزروم نمودار شد. اين حمله به تحریک اولیای دولت عثمانی انجام گرفت و به قتل دو نفر از همراهان امیر و مجرح شدن وي منجر شد. امير